

دکتر ایرج اسکندری / اسنادیار دانشکده هنر

ابراهیم جمعی در عرصه‌های فرهنگی و هنری فعال بود. در این رابطه چند دیوار در داخل دانشکده و خیابان‌های اطراف پرداخت. با پیشنهاد سیدکمال حاج‌سیدجوادی، معاونت هنری وقت که خود از فارغ‌التحصیلان دانشکده هنرهای تزئینی بود، کارگاه حضوری نقاشی در یکی از گالری‌های موزه هنرهای معاصر راه‌اندازی شد. شماری از استادان دانشکده هنرهای تزئینی از جمله بهمن بروجنی، شیدل و ایرج اسکندری در این کارگاه مشغول به کار شدند که حاصل آن تعدادی تابلو در ابعاد بزرگ بود. فعالیت این کارگاه پس از شروع فعالیت‌های موزه هنرهای معاصر خاتمه یافت.

محمدحسن شیدل که در زمینه نقاشی دیواری، آثاری را قبل از انقلاب به وجود آورده بود به همراه بهمن بروجنی در این سال‌ها دانشجویانی را آموزش دادند که می‌توان به نام‌هایی چون کورش شیشه‌گران، بهرام کلهرتیا، حسن صفا، ام‌الله فرهادی، حسین ماهر، حسن کیوان، عباس یزدی، احمد وکیلی، کریم نصر، حمید شانس، یعقوب امدادیان، ایرج زند و فاطمه امدادیان اشاره نمود. بعدها این گروه از دانشجویان دانشکده هنرهای تزئینی نقش فعالی را در زمینه‌های هنری در جامعه ایفا کردند.

در سال‌های اولیه انقلاب، گروه‌های هنری در حوزه‌های متفاوت فکری شکل گرفته و برخی از مؤثرترین هنرمندان این دوره به فراخور گرایش‌های خود جذب این گروه‌ها شدند. اختلاف نظرها و درگیری‌های سیاسی در جامعه منجر به انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها شد. بر این اساس هنرمندانی چون رویسن پاکباز، مرتضی میسز، هانیبال الخاص، بهمن بروجنی، محمدحسن شیدل، ایرج انواری، سعید شهلاپور و ثیلا امیرابراهیمی که در دانشگاه‌ها تدریس می‌کردند، از محیط‌های آموزشی کناره‌گیری کرده و یا کنار گذاشته شدند. ناگفته نماند که پس از چندی برخی از ایشان از جمله میسز، پاکباز و سعید شهلاپور به کار دعوت شده و فعالیت خود را ادامه دادند.

دهه اول انقلاب مصادف با حمله عراق به ایران بود و جنگی ناخواسته را رقم زد که هشت سال به طول انجامید. غالب آثار هنری در این دوران متأثر از این واقعه بود و زوایای مختلف آن به تصویر کشیده شد.

حوزه اندیشه و هنر اسلامی به عنوان یکی از جریان‌های اساسی پس از انقلاب، کانونی شد تا انقلاب اسلامی را در زمینه‌های هنری همراهی کند. واحد تجسمی این مجموعه با حضور هنرمندانی چون علی رجبی، حسین خسروجردی، کاظم چلیپا، حبیب صادقی، ابوالفضل عالی، حسن یاقوتی، ناصر پلنگی، حمید شریفی، مصطفی ندرلو، ایرج اسکندری، علی وزیریان و مصطفی گودرزی شکل گرفت. حوزه اندیشه و هنر اسلامی محیط مناسبی برای رشد و شکوفایی هنر انقلابی با گرایش مذهبی شد. در این مجموعه آثار متنوعی به وجود آمد که بررسی و تحلیل این آثار به شناخت شرایط

انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ سرآغاز تحول در عرصه سیاسی-اجتماعی در ایران گردید. این واقعه مهم که زمینه‌ساز بازشناسی شاخص‌های هویتی و مذهبی شد، در تعامل با واقعیت‌های جهان امروز، راه رجعت به سنت‌های ملی و مذهبی را فراهم آورد.

جنبشی نوگرایی در سال‌های اولیه انقلاب، اوقاتی بحرانی را طی می‌نمود؛ برخی از هنرمندان با سابقه این جنبش در واکنش به وقایع جاری دست از کار کشیدند و عده‌ای دیگر به خارج از کشور رفته و فعالیت هنری خود را در آنجا تداوم بخشیدند و عملاً صحنه برای نیروهای جوان و انقلابی خالی شد. این گروه از هنرمندان به همراهی برخی از هنرمندان با سابقه، هنری با ویژگی‌های انقلابی و مذهبی را جایگزین هنر رسمی دوره قبل کرد.

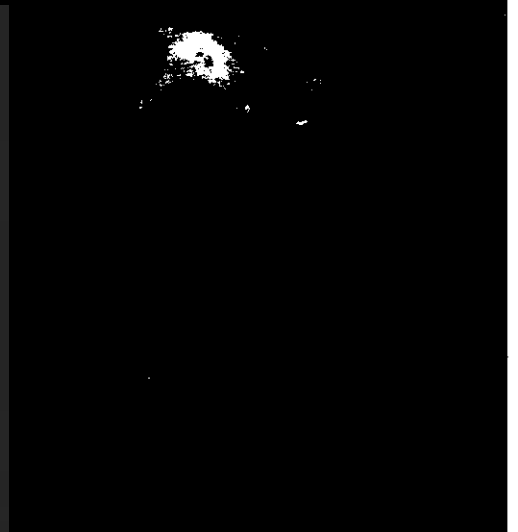
با گذشت حدود سی سال از شروع انقلاب، لازم است مروری کوتاه بر وقایع هنری این دوران، طی سه دهه پرتلاطم داشته باشیم.

دهه نخست (۱۳۶۰-۷۰)

هانیبال الخاص، نقاش آشوری که سابقه همکاری با جلال آل‌احمد را در سال‌های پیش از انقلاب داشت و افرادی چون بهمن بروجنی، منوچهر صفرزاده، بهرام دبیری، رحیم نازفر و شهاب موسوی‌زاده را همراهی و به جامعه معرفی نموده بود، در بحبوحه انقلاب نیز به عنوان یکی از قطب‌های هنری مطرح و هنرجویان جوان را شیفته سلیقه و روش خود ساخت. وی با تأکید بر تأثیرگذاری رنگ و صراحت شکل، شیوه‌ای را بنیان گذاشت که هنر پس از انقلاب تا چندی متأثر از آثار وی بود.

هانیبال الخاص با گرایش به نوعی اکسپرسیونیسم روایی با مضمون‌های اساطیری و مذهبی که مطلوب زمانه بود هنرمندانی چون نیلوفر قادری‌نژاد، بهرام دبیری، ایوب امدادیان، نصرت‌الله مسلمیان، مسعود سعدالدین، حسین خسروجردی، کاظم چلیپا، احمد امین‌نظر، مرتضی اسدی، ناصر پلنگی، حبیب صادقی، ادهم ضرغام و هادی ضیاءالدینی را به جامعه معرفی نمود، لذا بر این اساس می‌توان از وی به عنوان فردی تأثیرگذار بر هنر پس از انقلاب نام برد. وی و تنی چند از شاگردانش در زمان اشغال سفارت آمریکا توسط دانشجویان انقلابی، دیوار سفارت را نقاشی کردند. الخاص در حال حاضر همچنان با انرژی سال‌های اولیه انقلاب و با شعار کمیت‌گرایی در تولید اثر هنری و تبلیغ هنر فیگوراتیو، فعالیت خود را کماکان ادامه می‌دهد.

به موازات این جریان، دانشکده هنرهای تزئینی در سال‌های اولیه انقلاب، با هنرمندانی

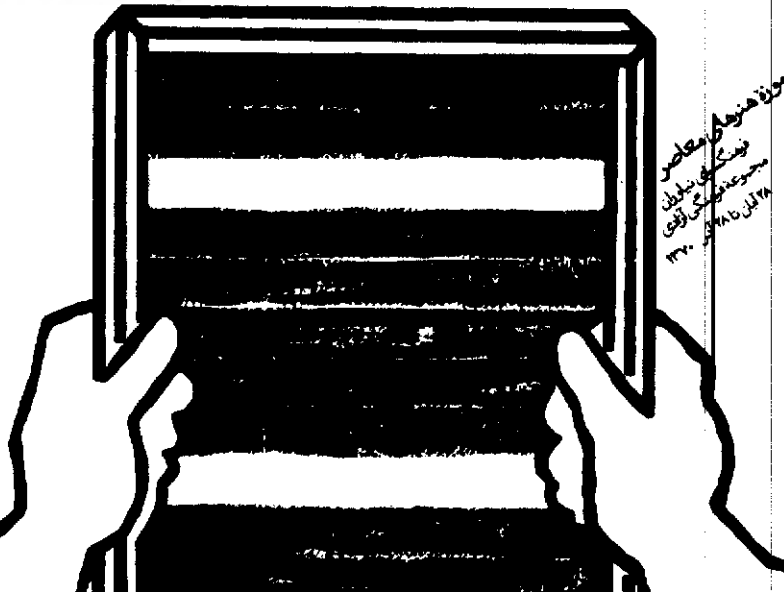


پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی



اولین نمایشگاه دو سالانه ققائیان ایران ۱۳۸۸



موزه هنرهای معاصر
نمایشگاه تهران
مسئولیت علمی آقای
۱۳۷۰ آبان ماه



به موازات این مجموعه، هنرمندان دیگری در فضای ملتهب متأثر از جنگ تحمیلی آثار خود را در معدود گالری‌های شهر عرضه می‌کردند. حضور ایشان در صحنه با توجه به عدم حمایت مالی تشکل‌های دولتی و نیمه دولتی مبین نوعی تعهد به جامعه درگیر جنگ بود. از جمله این نقاشان که در طول سال‌های جنگ فعالیت خود را متوقف نکردند می‌توان به نام‌هایی چون منوچهر معتبر، مهدی حسینی، کورش شیشه‌گران، بهرام دیبیری، غلامحسین نامی، نصرت‌الله مسلمیان، شهاب موسوی‌زاده، یعقوب عمامه‌پیچ، حسین ماهر، ابراهیم جعفری، منوچهر صفرزاده و پرویز کلانتری اشاره نمود.

آثار این دوره نقاشان مزبور با توجه به شرایط خاص اجتماعی، جنبه‌های اکسپرسیونیستی و نگاه انتقادی به‌خود می‌گیرد. این نگاه را می‌توان در برخی از آثار متأخر هنرمندان حوزه هنری نیز جست‌وجو کرد، با این تفاوت که ایشان رفاه‌طلبی و سرمایه‌اندوزی را در شرایط بحرانی جنگ به نقد می‌کشند.

دهه دوم انقلاب (۸۰ - ۱۳۷۰)

دهه دوم انقلاب را می‌توان دهه گسترش فعالیت‌های هنری قلمداد نمود. در این سال‌ها با توجه به نیازهای جامعه و شرایط سازندگی پس از جنگ، نمایشگاه‌های بزرگ هنری به شکل دوسالانه توسط نهادهای دولتی برگزار گردید. مهم‌ترین این نمایشگاه‌ها، دوسالانه نقاشی ایران بود که تا سال ۱۳۸۰ پنج دوره آن با نظم و ترتیب خاص برگزار گردید. با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، دولت و کارگزاران فرهنگی در زمینه فعال کردن فضای اجتماعی پس از جنگ و تلطیف آن با جذب هنرمندان و تولید آثار هنری موفق عمل نمودند. این توفیق باعث گردید تا دوسالانه‌های دیگر نیز از جمله

گرافیک، مجسمه‌سازی، نگارگری، سفال و طراحی با هدف جذب مخاطبین خاص و تخصصی کردن فعالیت‌های هنری برگزار گردد. از طرفی حضور افراد خاصی برای قضاوت آثار که بعضاً به‌صورت مکرر در داورها حضور داشتند واکنش‌هایی را از طرف منتقدین و هنرمندان حرفه‌ای به همراه داشت که به زعم ایشان از کیفیت و ارزش فعالیت دوسالانه‌ها می‌کاست. لذا این امر موجب شد که مسئولین امر در دوسالانه‌های چهارم و پنجم در خصوص تعیین دبیر دوسالانه‌ها و هیئت داوران در جهت جذب هرچه بیشتر نقاشان، تجدیدنظر به عمل آورند. این تصمیم باعث گردید نقاشانی که تا این تاریخ معترض بودند تمایل به حضور پیدا کنند.

با تغییر مدیریت اجرایی کشور در اواخر دهه دوم انقلاب و ترویج شعار مردم‌سالاری، نهادهای دموکراتیک از جمله انجمن‌های هنری شکل گرفتند. بر این اساس طی دعوتی از جانب مدیریت موزه هنرهای معاصر، هنرمندان نقاش در مجمعی، انجمن هنرمندان نقاش ایران را بنیان نهادند. این انجمن توانسته بیشتر نقاشان فعال در طول سه دهه انقلاب را به خود جذب نماید و در جهت نهادینه کردن آن یک گام اساسی بردارد.

در این برهه برگزاری نخستین دوسالانه بین‌المللی نقاشی جهان اسلام که در جهت منطقه‌ای نمودن فعالیت نقاشان ایرانی صورت گرفت گامی به جلو محسوب می‌شد. این دوسالانه که اولین بار در اواخر دهه دوم انقلاب (۱۳۷۹) برگزار گردید توانست در نخستین دوره خود حضور نقاشان ۲۷ کشور اسلامی را تجربه نماید.

تأسیس گالری‌ها و فرهنگسراهای متنوع توسط بخش خصوصی و شهرداری، اقدامی مهم در زمینه اقتصاد هنری بود. تقویت این جنبه از فعالیت‌های فرهنگی باعث گردید تا زمینه‌های حضور بخش خصوصی در جهت رشد و کفایت هنرهای تجسمی فراهم

مرگ بر طاقه جلاد



داشت. برگزاری نمایشگاه‌های هنرهای معنوی، هنرهای قرآنی و شاهکارهای نگارگری ایران که تصاویر نسخ خطی ایرانی را در موزه هنرهای معاصر به نمایش گذاشتند از جمله این واکنش‌ها محسوب می‌شود. با تغییر مدیریت اجرایی کشور در سال ۱۳۸۵ و طبعاً تغییر مدیران فرهنگی و هنری پیش‌بینی می‌شود تغییرات اساسی در جهت‌گیری امکانات دولتی به سمت توجه به هنرهای ایرانی و اصیل صورت پذیرد.

به طور کلی از بررسی هنر انقلابی ایران طی سه دهه گذشته چنین می‌توان نتیجه گرفت که به رغم تلاش‌های هنرمندان جوان و انقلابی ایران، هنوز به الگوی مناسب و جامعی در خور شأن و تفکر انقلاب اسلامی که اساساً با انقلاب‌های دیگر جهان متفاوت است، دست پیدا نکرده‌ایم. علت این مسئله را نه فقط در دنباله‌روی‌ها و الگوبرداری‌های ناسنجیده، بلکه در کمبودهای ناشی از عدم هماهنگی خلاقیت هنری و تحولات فکری و انقلابی معاصر باید جست. از سوی دیگر تغییرات پیوسته سیاسی، سیاست‌گذاری‌های دولتی، نظر محافل خارجی و سلیقه مجریان امر بر سیر هنر پس از انقلاب، اثر گذاشته‌اند. مسلماً انقلاب ایران که مبتنی بر تفکر اسلامی است طالب هنری است که با ماهیت آن سازگاری داشته باشد.

شرح تصاویر:

- ۱- مانینال الخاص، تقدیم به انقلاب (بخشی از اثر) رنگ و روغن
- ۲- حسین خسروچردی، از تسع سفوی تا تسع علوی
- ۳- نیلوفر قادری‌نژاد، ۱۳۷۹
- ۴- مرتضی ممیز، کارت دعوت اولین نمایشگاه دوسالانه نقاشان ایران، ۱۳۷۰
- ۵- شملا میرابراهیمی، همسنگی
- ۶- فریاد فرهی، مرگ بر شاه جلاد
- ۷- حبیب‌الله صادقی
- ۸- حسن کیوان، کارت دعوت نمایشگاه آثار نقاشی، ۱۳۷۵

آید. با توجه به اتفاقات مهمی که در دهه دوم انقلاب به وقوع پیوست این دهه را بایستی از جمله دوره‌های مهم در تاریخ هنر معاصر ایران قلمداد کرد. رویکردهای متفاوت کارگزاران فرهنگی در نیمه نخست این دهه (۷۵-۱۳۷۰) در مقایسه با نیمه دوم آن (۸۰-۱۳۷۵) از مهم‌ترین عواملی است که در پرباری این دهه مؤثر بوده است.

نیمه نخست دهه سوم (۸۵ - ۱۳۸۰)

با توجه به توسعه ارتباطات و تبادلات هنری با کشورهای خارجی، آغاز این دهه با فراز و نشیب‌های بسیاری همراه بود؛ در این سال‌ها هنرمندان نقاش برای حضور و رقابت در عرصه‌های جهانی به شناسایی و مرور دستاوردهای هنر معاصر غرب می‌پرداختند. رفت و آمد ایشان به کشورهای غربی، زمینه‌ای می‌شود تا هنرمندان نوپا تحت تأثیر هنرهای نوپدید غربی از جمله هنرهای مفهومی، اجرایی و ویدیویی به اقتباس از ایشان آثاری را به وجود آورند.

موزه هنرهای معاصر تهران صحنه بازسازی و مرور نگرش‌های جدید هنری شده و با توجه به جذابیت آن با استقبال مخاطبین جوان روبرو می‌شود. تفکر ساختارشکنانه مجریان امر این اجازه را به هنرمندان می‌دهد که اجراهای خود را از محل برگزاری نمایشگاه خارج و تا سطح شهر توسعه دهند. این روند گاهی گذر از باورهای سنتی و اعتقادی را مجاز می‌شمارد تا جایی که در یکی از نمایشگاه‌های مذکور آثار ارزشمند نقاشی ایرانی بر کف سالن چسبانیده شد تا تماشاچیان از روی آن عبور کنند. حضور هنرمندان و منتقدین مطرح غربی از جمله ادوارد لوسی اسمیت، آرمان و... که با هدف شناسایی و معرفی هنر جدید به ایران دعوت می‌شدند از جمله اتفاقات مهم این برهه از تاریخ هنر معاصر است.

هنرمندان فعال در نمایشگاه‌های مفهومی، طی دو دوره به بینال ونیز اعزام می‌شدند که این حضور با توجه به اهمیت آن بی‌آمد خاصی را به همراه نداشت. تشکیل گروه‌های کم‌جمعیت هنری، تمهید دیگری برای فعال کردن فضای هنری و جذب امکانات دولتی است؛ در این راستا گروه‌های متعددی تشکیل شدند که از جمله می‌توان به گروه ۳۰، دیوار سفید و گروه فمینیستی دنا اشاره نمود. این گروه‌ها نمایشگاه‌هایی را در داخل و خارج کشور برگزار کردند که نوعاً تفاوتی از لحاظ دیدگاه و تفکر هنری بین آن‌ها نبود.

توجه کارگزاران هنری به شیوه‌های نوپدید غربی، واکنش سنت‌گرایان را به همراه